



از مطبوعات خارجی

ترجمه موسی عاشقیان

نظر پیر و فسور

آنستیمین در باره فلسطین چنانکه از گفته ها و نوشته های تاریخی پیداست...

سیاست روز

اتحادیه اعراب

شده و پس از خانه جنگ قیافه مشکوک خود را بهتر به بیان نشان داد اول در عراق و مسر از این اتحادیه سخنی بهمان آمده...

برای اینکه اهمیت این اتحادیه را ما معلوم شود و بدانیم منظور شد این اتحادیه مانند سایر اتحادیه ها در دنیا بوجود آمده بی مناسب نیست تاریخ را ورق زده قدری عقب برگردیم...

بقلم ش-ا

باز هم روش ما

واقعا کار اجتماعی انجام دادن در این محیط چه کار پر زحمتی است در این اجتماع عقب افتاده در اجتماعیکه هنوز افراد بی وظائف خود نبرده اند...

«۳»

قوانین اجتماع

طرز تفکر و ایده های اجتماعی

طرز تولید است

این شعور اجتماعی است که طرز زندگی را میبندد بلکه بلعکس طرز زندگی است که شعور اجتماعی را میبندد...

و مبارزین را با همیت آن جلب می نماید

طرز زندگی و روابط اجتماعی بشر هیچگاه از روی فکر اشخاص و یا سازمانهای سیاسی و اجتماعی معین نشده است بلکه تمام ایده ها و عقاید سیاسی، اجتماعی، هنری و خلاصه کلیه سازمانهای اجتماعی ایجاد شده دستنگاه اقتصادی و نیروهای تولیدی است...

بجای آنکه بگویند که در آن زندگی می کنیم از روی فکر ما درست شده بلکه بلعکس اجتماع سازنده فکر ما است و ایده های سیاسی، قوانین اجتماعی از ضروریات اجتماعی است که در پیجا به وجود آمده و نشو و نما کرده است

بقیه در صفحه ۳

بعضی خورده میگیرند چرا از درج مقاله ایشان خودداری شده است، عده که دارند چرا آنان انتقاد را کرده اند و اصلا چرا درباره فلان موضوع بحث نموده اند میگویند اگر افرادی در کار ما وارد بوده است بشما چه مربوط است یا بعضی ها در اثر بی طرفی ما را اصیبت می کنند که اگر اینطور و آنطور بنویسید بهتر است...

خلاصه با این میزنند ما را افراطی میگویند معتدل فلم داد می کنند بهمانظله کاری نسبت میدهند بعد زبان با سدرز میکشایند...

ره چنان رو که رهروان رفتند - با چنان با ایک و بدسرکن که پسند از مردات - مسلمات بزمز شویند و هندو بسوزانند - مارا بته بیدو دوروی تشویق می نمایند - بعد قدم آرا ترک گذاشته مارا بقیه در صفحه ۳

ع - اوزر دانشجوی پزشکی

حقایق چند در باره

اوضاع پرودیان

صحبیح بخصوص دارای اتحاد محکم باشند کجا خواهند داشت که دیگران طوق عبودیت و بندگی را بر گردن او بگذارند

بقیه در صفحه ۳

بقلم همایون حکمتی

چگونه شخصی قابل نمایندگی است؟

یک دست صدا ندارد! باید همه برای همه کار کنند!

شرایط لازم و کافی کدام است؟

آقای سالم زاده در شماره های ۲ و ۳ این روزنامه مقالاتی بنام «انتخابات آینده» و «چگونه شخصی قابل نمایندگی است» نگاشته و شرح مفصالی درباره خصوصیات نماینده آینده ما بیان فرموده اند...

بنظر اینجانب گذشته و اعمال نمایندگان قبل اصول مهمی را که امروز مورد نظر هرارد اجتماعی است خاطر نشان ننموده است و چون این اصول پایه و اساس سعادت یکجبهتی هر جامعه است لازم است تذکر داده شود...

همانطوری که او پسندیده مقاله مراوم بقیه در صفحه ۶

همه میدانیم که بعضی از مالک که از لحاظ صنعت و قدرت اقتصادی در درجه اول اهمیت و عظمت قرار دارند برای کارخانجات خود مجبورند که مواد اولیه تهیه کرده و از طرف دیگر معالی را لازم دارند که مازاد محصولات خود را در آنجا بفروش رسانند و برای این منظور عموما مالک دور دست و عقب افتاده در تمدن را انتخاب میکنند و برای این این نه توانند آن کشور را کلا در تحت لوق خود در آورند لازم است که ساکنین آن کشور را ووسائلی دور از فرهنگ و تمدن نگاهدارند و چهل و اوام خرافات را بین آنها نشر دهند و از چهل آنها استفاده کرده تخم نفاق و جدایی را بین افراد آن ملت بنام های مختلف بدمند، آزاد، رنگ و نموده باشند آنها را سرگرم این انکار نموده و منظور خود را عملی سازند و الا همتی که افرادی مبارز و دارای فرهنگ

آزادیخواهان در امور

اجتماعی نباید مذهب را دخالت دهید

جامعه نبود از هر طرف هدف تیر تیرت و انزوا و مورد توهین و تحقیر واقع میگردد - از یکسو شمال مارک دار اجنبی - آنها می که ماموریت دارند بین افراد ملت ایران تخم نفاق بپاشند - آنها می که مترصدند از هر پیش آمدی هر قدر هم که جزئی باشد بمنظور اجرای سیاست شوم خود - سیاستی که پایه و اساس پر مغز بودن ساختن افراد ملت است نسبت بیکدیگر و ایجاد سد جدایی و خصومت بین آنها است - بزرگترین استفاده را بنمایند و بالاخره آنها می که از بیداری توده و روشن شدن افکار ملت ایران دل پر خون دارند ما را مورد حمله ناجوانمردانه خود قرار میدهند - آنها هر آن منتظرند یک واقعه کوچک رخ دهد مثلا رهگذری بهمز آفتاب براند - بین یک بچه یهودی با رفیق مسلمانش بر سر بازی اراضی در گیرد - از یکطرف که در اثر نبودن تعلیم و تربیت و تماس با محیط فاسد آورده فساد شده است تقاب با خیانتی سر براند تا آنها بتوانند نورا از موقبت استفاده نموده بلوا و آشوبی بر پا سازند - از همان مردم ساده وی اطلاع را مشوب نموده آنها را بر علیه یکدیگر برانگیزند تا رقابت اسف - انگیزی نظیر غائله مشهد یا خراسان را بفرار دهند و بلافاصله اروپا نشان از آن طرف دنیا وسیله پیدا نموده بلند گو های خود را بکار اندازند و بدینا چنان و نمود سازند که ملت ایران هنوز رشد اجتماعی پیدا ننموده و لیاقت اداره خود را ندارد اینگونه افراد برای اینکه برادران ما را اسبت نماید بین خود و ما را از یکدیگر جدا سازند - در حالی که خود با منتظران و غارتگران اجتماع اهم از هر مذهب که باشد صمیمی بوده و در مجالس انس و قمار با یکدیگر راز و ایاز میکنند در حالی که چارو پای مستکبران بزرگ برای گرفتن حق و حساب پوزه بخلک می مانند در ورق پاره های خود نموده محروم و مستعجب یهودی را مورد حمله قرار داده آنها را مالک و سرمایه دار کل قلمداد میکنند

بقیه در صفحه ۶

بسیوی اتحاد

مقاله زیر را یک نویسنده مسلمان برای ما فرستاده و تقاضای درج آن را نموده اند. ما در عین حالی که با کمال میل مقاله ایشان را چاپ میکنیم از حسن نیت ایشان نیز تشکر کرده و اضافه مینماییم که ما با تمام قوا مبارزه خود را در راه اتحاد و موقبت ملت ایران ادامه میدهمیم.

آن آقای بی هدف و منفی بافی که ورق پاره های رایج روزنامه منتشر می کند و میخواند در ردیف شریف ترین خادمان جامعه خودش را وارد نماید آیا بوظیفه حساس و خطیری که بعهده دارد آشناس است و یا اینکه ندانسته مرتکب بزرگترین تبلیغات سوئی میشود که منافی با رشد فکری جامعه و مخالفت با روح وحدت اجتماعی است...

اگر از طرف دشمنان ایران بدست این آقای روزنامه نویس ماموریت داده شده است که بمنظور اجرای نیت پاید اروپا بن خود تمدا آتشی در ایران روشن شود، هم اروپا باشا شتاب میکنند و هم خودش بیوده زحمت اویندگی را بخود هموار مینمایند بگری چشم خائنین وطن ایران همواره مردان آزادمش و با ایمان و فرزندان مقتدر و وطن پرست بقیه در صفحه ۶

اصلاح جامعه ما

از کجا باید شروع شود

اولین هدف مهمی که یک جمع کوچک با بزرگ هدف افتاده باید انجام دهد درک وضع حقیقی خود و احساس لزوم اصلاح است. بطوریکه ملاحظه میشود تعداد زیادی از کسانی که از نقاط مختلف در اول در اطراف کانی و حتی ندری با بصورت بدوی - در دست مثل انسان اولیه زندگی میکنند چون بدی وضع و در عاب ماندگی خود را حس میکنند درصدد تغییر وضع و بهبود زندگی و آرام کردن

# شاخص هزینه زندگی و عمده فروشی

شاخص هزینه زندگی که در اسفند ۱۳۲۳ رقم ۱۰۰ را نشان میداد در دوره اول ۱۳۲۴ مرتباً تنزل نموده و در مهر برقم ۲۸۲۶ رسیده است. از مقایسه این دو رقم ملاحظه میشود که این تنزل قابل ملاحظه بوده است زیرا در ظرف ۷ ماه هزینه زندگی ۱۳۷ بله یا قریب ۱۴ درصد پائین آمده است ولی در ماههای آبان، آذر و دی بهفتصدای فصل ترقی نموده و برقم ۱۹۴۵ بالغ گردیده در ماه بهمن متوقف شده و در اسفند در اثر اقدامات جدی دولت تنزل قابل ملاحظه‌ای نموده به ۸۷۷ رسیده است و این رقم با اینکه هنوز بیش از ۸ برابر سال ۱۳۱۵ است نسبت به بالاترین رقم هزینه زندگی که در اردیبهشت ۱۳۲۳ مساوی ۱۱۷۴ بوده ۲۴۷ بله یعنی ۲۲ درصد تنزل نموده است.

شاخص عمده فروشی که در اسفند ۱۳۲۳ رقم ۱۰۰ را نشان میداد در فروردین ۱۳۲۴ بهتری تنزل نموده به ۶۱۶ رسیده ولی در اردیبهشت و خرداد تا ۶۲۷ ترقی نموده و بعداً تا مهر بهایمات رو به تنزل بود و مجدداً در ماههای زمستان بر حسب اقتضای فصل ترقی نموده و بالاخره در ماه اسفند برقم ۶۲۴ رسیده است. گرچه هنوز تغییر فاحشی در شاخص عمده فروشی وجود دارد و نسبت به فروردین ۱۳۲۳ که این شاخص به اعلامی خود یعنی ۷۱۴ رسیده بود شاخص اسفند ۱۳۲۴ بیش از ۹۰ بله یعنی حدود ۱۳ درصد اختلاف ندارد ولی وضع کلی بازار و نفوذ کالاها امید میدهد که در سال جدید بهای اجناس تنزل بیشتری بنماید.

## کشاورزی

اگر چه توجهی که بواسطه ترقی بهای محصولات کشاورزی در سالهای اخیر بامر کشت و زرع ابراز شده بود در سال ۱۳۲۴ اعمال نگردید با اینحال بواسطه مساعد بودن اوضاع جوی انواع محصولات بسیار خوب بود از طرفی و نفوذ غلات از طرف دیگر عدم امکان خروج آن بواسطه نبودن وسائل حمل و نقل و موانع دیگر باعث تنزل بهای آنها گردید.

در کرگان در ۶۰ هزار هکتار اراضی آلوده باغ و در ۷۵ هزار هکتار با موش صحرایی مبارزه بعمل آمده و دفع خطر گردید. در کرمان بواسطه بروز آفت پسته از طرف اداره کربل دفع آفات باقی اقدام شد و مقدار زیادی سم پاش و مواد شیمیایی و سایر وسایل لازم برای دفع آفات مزبور بآن محل ارسال گردید و در ختای پسته آن شهرستان سم پاشی شد از اقداماتی که وزارت کشاورزی در مورد آبیاری نموده است اجرای قانون اردیبهشت ۱۳۲۲ مربوط به تشکیل بانک آبیاری میباشد چون قانون مزبور بلا اجرا مانده بود و اداره کل آبیاری در شرکتهای آبیاری شهرستانها مشارکتهایی نموده که از نظر انتخابان با قانون مصوبه لازم بود تأیید گردد و علاوه بر این توسعه و اصلاح امور آبیاری طبق تصویب وزارت کشاورزی بانک مستقل آبیاری با چهاره قانون مصوب اردیبهشت ۱۳۲۲ تشکیل و شروع بکار نمود.

## بهمنامه به چهارمین سال گذشت

### شادروان حاخام حثیم موره

روز شنبه گذشته ۱۷ ایاب بهمن نهمین سال در گذشت حاخام حثیم موره مجاس تذکری در ساعت ۴ بعد از ظهر در کتبیای البصافان با حضور جمعی کثیری منعقد بود آقای سایمان حثیم ضمن سخن رانی خود شمه ای از احوال آن مرحوم بیان و از آناری که آلتیید از خود بیادکار گذارده اند سخن رانده و از خدمات ایشان تقدیر نمودند.

در پایان جلسه آقای اراهم موره نرزنه ایشان ضمن بیانات خود از موم شرکت کنندگان مدینه تشکر نمودند و متعاقباً ساعت ۱۰ بعد از ظهر مجاس تذکره خاتمه یافت.

## آگهی برای اجاره زمین ورزش

باغچه ورزشی اردن برای تهیه انواع ورزش بین یهودیان بیسک محل وسیع در مرکز شهر احتیاج دارد. از موم ملازمان دعوت می شود که در مدت یافتن چنین محلی بر - آهند و شرایط و محل اجاره را به دفتر روزنامه اسرائیل نسبت آگهی ها اطلاع دهند.

۳-۱ که هیون ورزش سازمان فرهنگی یهودیان ایران

## اعلان فرهنگی

اگر میل دارید زبان عبری را در منزل خود در تحت نظر پرکنترین استاد زبان عبری با اسلوب جدید بیاموزید بکسوره از صفحات اینکوراون از چهارماده اخوان ارسطو زاده اسلاهل اتباع امانید. امتحان و استماع مجانی است.

## مچاپخانه شهرت مطبوعات

# (( عشق و عفت ))

مردمی که به معلم عشق دانه شد

«هوشنگ جان بگو بدانم تو که تا سلامتی هفتده هجده سال درس خوانده ای و حالا دل پسر و مادرت خوش است که پسرشان محصل دانشگاه است از زندگی که چه فهمیده ای؟ هزار بار پتو گفته ام انسان نباید خوشی مهبیای امروز خود را ندای آسایش فرضی فردایی کند که معلوم نیست وجود خواهد داشت یا نه خوب مزیم درس خواندن بجای تفریح هم بجای خوب مکتب تودل نداری؟ چرا این بخواهی اندکی درشالوده با بقول خودت در ( پراساپ ) زانده کسایت تغییر کوچکی بدهی؟

بخدا تو کوری و گرنه این دختران زبیا که حقیقتاً باید اسمشان راستارگان روز گذارد چنان نوری دار و صاحب جذبه ای هستند که از فریبها شخص را بطرف خود جذب میکنند.

خوب. اگر تو امروز بهیاری با اردا در همین جنک قلبی کشته شوی آوقت اگر چنانکه میگویند دایمی دیگری باشد و در آن دنیا بقوای فکر و فضاوت کنی حتماً بر این دیوانگیهای که امروز میکنی جای آنکه بخندی گریه خواهی کرد.

اگر خودت هم این بخواهی با اقلای یک بار برای من عاشق شو. آنوقت اگر از آن بدی دیدی گناهش بگردن من.

جوانی که امش هوشنگ بود و قیافه ای در نهایت سادگی و صفا داشت آنچه را که دوستش میکند میشنید و خاموش بود. عاقبت برای آنکه با سخی داده باشد برایش گفت.

جهانگیر مگر عاشق شدن هم هنر است؟ بفرض آنکه عشق چیز خوبی باشد عاشق شدن زور زور کی که میشد و آنکسی اگر من کسی را دوست داشته باشم مثل انسان پدر و مادرم را میفرستم که او را خواستگاری کنند. اگره وقت شدم که خیلی خوب اگر هم اشده امیتی انداد برای زندگی کردن بالاخره رفیق راهی پیدا خواهم کرد که بار زندگی را بکمرم هم بکشم.

جهانگیر که بنام معنی اموال کامل اغلب جوانهای بد امروز بود تپسی گرد و مثل آنکه با بچه کوچکی سخت میکوبید گفت.

البته من از عقل ناقص تو بیش از این انتظار نداشتم. آخر عزیز من عشقی که کسان محبوب از آن اطلاع داشته باشند دیگر عشق نیست و باراباطی که پدرها و مادرهای ما باهم دارند فرقی ندارد. عشق باید پنهان و دوراز نظر افکار و شاعرانه باشد.

ولی من با همین عقل که توانم عشق میدادی چنین تخریب داده ام که این احوال نا شایسته که تو نام عشق بر آن میگذاری گناهانی هستند از رگ که موجب بدبالی و نفاق و بدبختی شوند.

اگر حقیقتاً در این حرفهای هفتده داری راستی آدم احمقی هستی. چطور ممکن است روابطی که موجب لذت طربین میشود موجب نفاق و بدنامی و بدبختی شود.

آن روز گذشت. این دوروزهای بعدی بارها راجع باین موضوع صحبت کردند و گفتگو در روزخانه با انتام روزهای بعد در خلال چند دقیقه تنفس بین درسها و مسامهای دیگری شروع شد تا اینکه

جهانگیر توانست عاقبت با تلفظهای بیباکی هوشنگ را با خود همبند کند. و با زیباییان بر سر مهر آورد.

اغلب در این قبیل موارد این سؤال پیش میآید که چرا خوبان کمتر موفق میشوند که بدها را مثل خود بکنند؟ دلپش را در مثال زیر جستجو بفرمایید.

اگر شاگرد شواری اوده بروغنی از کنار شما که لباس کتان یا فلان سفید بر تن دارید بگذرد و اتفاقاً بشما نه برود آیا لباس او سفید میشود یا لباس شما لک بر میدارد؟

البته لباس با کبره شما تیره میکند. چرا...

چون لباس او چیزهای زیادی بسیاری دارد که میتواند با لباس شما که عاری از همه اوج کثافت است و بخواهد از خارج چیزهایی جذب کند.

در مورد بیشتر اشخاص مخصوصاً هوشنگ و جهانگیر این که همیشه باهم بودند این مثل صدق میکند.

عاقبت هوشنگ بدستور جهانگیر عاشق شد. و همچنین بدستور او عشق خود را از همه پنهان کرد و گریه جهانگیر از عشق او مطلع بود ولی معشوق او را اندیه بود.

هوشنگ هم مانند اغلب کسانی که تازه یاددارنده این قبیل کارها میکنند عوام خود را آسمانی میداند و گرچه در مورد محبوب مطابق دستور جهانگیر رفتار میکند ولی بالاخره شخصیت اصلی خودش نیز در اعمالش تجلی می کرد و بیادوست این عشق پاک و شامزاده باشد و بجای مهربی برسد ولی جهانگیر اینکندارد.

اغلب نامه هایی که هوشنگ برای محبوبش میفرستاد یا نامه هایی بود که جهانگیر با کمال مهارت تازگی او شده بود یا روشنی از نامه هایی بود که سابقاً برای محبوبان متعهد خود نوشته بود.

امیدام چطور بیکبار جهانگیر فهمید که هوشنگ اغلب نامه ها را تخریب میدهد و نامه هایی میبوسد که از آن بوی حقیقت میآید. همچنین جهت جهانگیر بدون آنکه چنان وانمود کند که از این کار هوشنگ با اطلاع است هر روز باو صحبت میکرد که پیش از این بچکی نکند و بحقیقت عشق بی برد و هر طور که ممکن است از معشوق کام بنماید و او را رها کند.

گرچه جهانگیر نظر بیباکی خود ابتدا تسلیم نمیشد و میکشفت من دوست دارم عشق پاک باشد.

ولی عاقبت تسلیم عقیده دوست خود شد و رفتی در اثر مجاورت متعادی و مکرر دیگر با محبوب خود مانا شد کم کم مرتکب خیالی از کارهایی که ابتدا جهانگیر گفته بود شد. خیلی کارهایی دیگر هم میکرد که جهانگیر میکشفت هوشنگ که اول بآن خوب و معشوقی بود حالا هر روز با رفیق بیشتر میرفت و چون بر میکشفت آنچه را کرده بود با میل و اشتیاق تمام برای دوست و استادش تهریب میکرد و برای ملاقات بعد از او درس تازه و دستور او میگرفت.

عاقبت این عشق هم مانند تمام عشقهای مشروع و نامشروع دنیا بمان جا های باریکی که جهانگیر نام آن را دکام گرفت کمال گذارده بود کشید و مدتها هوشنگ و محبوبش باهم

خوش بودند. هوشنگ بسیار میل و اسرار داشت که جهانگیر را همراه خود ببرد که او هم معشوقش را بشناسد ولی جهانگیر میل نداشت. برای اینکه خودش همیشه بهوشنگ سفارش میکرد که از عشقهای جوانان هیچکس نباید باخبر شود. بهیسی است این استاد دانشمند حاضر نمیشد که خود بر خلاف دستورهایی که می داد رفتار کند و سمی بگردد و او را معطلی نرهم کند که شاگردش موفق شود تمام دستورهای او را کاملاً بکار بندد.

بهبیت دلیل خودش هم اینست که معشوق او را بشناسد و میکشفت بچه لشو هزار بار پتو گفته ام لذت عشق در آن است که در دیده و پیغرزادیدگران باشد.

هوشنگ که ابتدا راستی جوان خوبی بود و حرکات جهانگیر دوست صمیمیش را می پسندید بعد ها در اثر مجاورت تسلیم عقیده او شد. حالا بدستور رفیق و بهیل خودش در عاشقی بسیار پشیمان کرده بود. گرچه ابتدا یک نگاه و اندکی بعد یک تبسم و اندکی بعد چاند کلمه سخن گفتن با معشوق او را در آن عوام ناگفتنی آسمانی و بهشتی میرمی داد ولی اندکی بعد این کارهای آسمانی که فقط معشوقش را شنگان در گاه خداست جای خود را بپوشد و تماس داد. و چیزی نگذشت که

دیگر هوشنگ و محبوبش هیچکدام از این روابط لذتی نیبردند و این کارها را در غور بپه ها میدادند و سعی میکردند تا آنجا که ممکن است پیش از پیش از یکدیگر کام بنمایدند.

یکی از آن روزها که بر خلاف سالیهای پیش هوشنگ بهالی که معلوم است درس خود را نگاه نگرفته بود و میل هم نداشت که سر کلاس برود. میان چند دقیقه وقت تفریح میان دو درس تازیب توانین و فلسفه تاریخ بر روی خود جهانگیر از دیک شد.

جهانگیر از نگاه و رنگ برافروته او خیلی چیزها درک کرد و پیش از این که هوشنگ چیزی بگوید باو گفت.

در بریده... هوشی مثل اینکه دسته گل تازه ای بآب داده ای چه شیر تازه؟

هوشنگ خندید و گفت. شیر تازه اینکه امشب هم با او هستم. و این را هم برایت بگویم که من و او هر دو مان بدیدار امشب امیدها داریم و کویا او خودش را دیگر برای هر چیز حاضر کرده است.

خوب... بد نیست. خوش باشید تازه آمده ای که از زندگی چیز بپوشی. خوش باشید.

منون اما بشرط آنکه دیگر امشب تو بیایی و او را ببینی. ممکن است پس از امشب ما دیگر هم دیگر را ببینیم و بهتر این است که او را شناخته باشی.

اگر بدانی چقدر ایبا است. اگر تو ذهن مرا خراب نگردد بودی و اینقدر بین میکشفتی انسان باید از هر بالغ کلمی بپوشد و برود حتماً او را خواستگاری میکردم ولی تو طوری مرا رهنمائی کرده ای و من مرتکب کارهایی شده ام که دیگر نمیتوانم باو بپوشم یک ماسر پاک نگاه کنم. گرچه خیلی دوستش دارم

... یعنی از او خیلی خوشم میآید ولی مثل اینکه نمیتوانم او را پاک و خوب بدانم. در نظرم بهواری شبیه است که از دهان سک مرده ای بیرون آورده باشند.

در هر صورت باید امشب بیایی و با او آشنا شوی.

... من نیایم. حتماً باید بیایی اگر ایبا دلتور میخورم.

بله درمدمه ۳

### باز هم روشی ما

بقیه از صفحه ۱  
 از سیاست میزنند میگویند ما را به بحث سیاسی چه ؟ چرا مقالات شما پوی چپ یا راست میدهد ؟ چرا روزنامه نکامیات ندارد ؟ چرا از رقص و ادبیات و کلو صبهت امی کزید ؟ چرا از ادبیات و کلو بابل در آن خبری نیست ؟ چرا مقالات عاشقانه ندارد ؟ چرا و چرا و هزاران چراهای دیگر ؟

بقیه از صفحه ۱  
 از سیاست میزنند میگویند ما را به بحث سیاسی چه ؟ چرا مقالات شما پوی چپ یا راست میدهد ؟ چرا روزنامه نکامیات ندارد ؟ چرا از رقص و ادبیات و کلو صبهت امی کزید ؟ چرا از ادبیات و کلو بابل در آن خبری نیست ؟ چرا مقالات عاشقانه ندارد ؟ چرا و چرا و هزاران چراهای دیگر ؟

بقیه از صفحه ۱  
 از سیاست میزنند میگویند ما را به بحث سیاسی چه ؟ چرا مقالات شما پوی چپ یا راست میدهد ؟ چرا روزنامه نکامیات ندارد ؟ چرا از رقص و ادبیات و کلو صبهت امی کزید ؟ چرا از ادبیات و کلو بابل در آن خبری نیست ؟ چرا مقالات عاشقانه ندارد ؟ چرا و چرا و هزاران چراهای دیگر ؟

بقیه از صفحه ۱  
 از سیاست میزنند میگویند ما را به بحث سیاسی چه ؟ چرا مقالات شما پوی چپ یا راست میدهد ؟ چرا روزنامه نکامیات ندارد ؟ چرا از رقص و ادبیات و کلو صبهت امی کزید ؟ چرا از ادبیات و کلو بابل در آن خبری نیست ؟ چرا مقالات عاشقانه ندارد ؟ چرا و چرا و هزاران چراهای دیگر ؟

بقیه از صفحه ۱  
 از سیاست میزنند میگویند ما را به بحث سیاسی چه ؟ چرا مقالات شما پوی چپ یا راست میدهد ؟ چرا روزنامه نکامیات ندارد ؟ چرا از رقص و ادبیات و کلو صبهت امی کزید ؟ چرا از ادبیات و کلو بابل در آن خبری نیست ؟ چرا مقالات عاشقانه ندارد ؟ چرا و چرا و هزاران چراهای دیگر ؟

بقیه از صفحه ۱  
 از سیاست میزنند میگویند ما را به بحث سیاسی چه ؟ چرا مقالات شما پوی چپ یا راست میدهد ؟ چرا روزنامه نکامیات ندارد ؟ چرا از رقص و ادبیات و کلو صبهت امی کزید ؟ چرا از ادبیات و کلو بابل در آن خبری نیست ؟ چرا مقالات عاشقانه ندارد ؟ چرا و چرا و هزاران چراهای دیگر ؟

بقیه از صفحه ۱  
 از سیاست میزنند میگویند ما را به بحث سیاسی چه ؟ چرا مقالات شما پوی چپ یا راست میدهد ؟ چرا روزنامه نکامیات ندارد ؟ چرا از رقص و ادبیات و کلو صبهت امی کزید ؟ چرا از ادبیات و کلو بابل در آن خبری نیست ؟ چرا مقالات عاشقانه ندارد ؟ چرا و چرا و هزاران چراهای دیگر ؟

بقیه از صفحه ۱  
 از سیاست میزنند میگویند ما را به بحث سیاسی چه ؟ چرا مقالات شما پوی چپ یا راست میدهد ؟ چرا روزنامه نکامیات ندارد ؟ چرا از رقص و ادبیات و کلو صبهت امی کزید ؟ چرا از ادبیات و کلو بابل در آن خبری نیست ؟ چرا مقالات عاشقانه ندارد ؟ چرا و چرا و هزاران چراهای دیگر ؟

### حقایقی چند

بقیه از صفحه ۱  
 در کشور ما نیز بدبختانه مدتهاست که به نبرک همین مسائل و بدست یک عده عناصری که ۹۰٪ را فدای منافع خود می نمایند عقاید اشتباه دور از حقیقتی در مغز عده ای از هم میهنان ما حتی خود مار سوخته اند.

بقیه از صفحه ۱  
 این تلقینات بدون اینست که افراد بدانند چه سم مهلکی است از اسلحه به اسلحه دیگر منتقل شده و نیز در مواقع حساس و لازم تقویت میشود بطوری که عده ای بدون اینکه خود را بداندند با ما کینه و عداوت دارند و همین امر باعث این جداییها است ما و سایر هم میهنان شده و اوضاع فعلی ما را بوجود آورده است و الا کودکی که از مادر متولد میشود اگر در محیط پرورش یابد که اینست انکار هیچچیز در آنجا رسوخ یافته باشد اصلا از این موضوع باخبر نخواهد بود.

بقیه از صفحه ۱  
 لذا نکته اساسی و مهم تر اینست که کلیه افراد ملت ایران ام از افراد و مسلکی که باشند باید بدانند که این جداییها چقدر بضرر ملت ایران و ما را بچه بر تنگای سوق میدهد والا هیچ عقل سلیمی شهادت نمی دهد که این اتفاقها بفتح ملت ایران باشد.

بقیه از صفحه ۱  
 آیا اگر این جداییها برداشته شود و اکثریت زحمتکش ملت ایران ام از هر نژاد و مسلک و زبانی که باشد به خاطر سعادت و ترقی ملت ایران کوشش نمایند بهتر نخواهد بود ؟

بقیه از صفحه ۱  
 آنچه که مسلم است پیروان در اثر فشارهایی که به آنها وارد آمده و بیشتر از سایرین در پیوسته بوده اند اند آیا استفاده نکردن از این استعداده ها و جدا کردن جامعه پیروز از ملت ایران مثل استفاده نکردن از یک عضو مفید بدن نیست ؟

بقیه از صفحه ۱  
 آیا کسانی که ادعاست آت دست و وسيله اجرای این گروه تحریکات خانمان بر انداز میشود و گول بکشد عوام فریب را میخورند غیر مستقیم خیانت به ملت ایران می نمایند ؟

بقیه از صفحه ۱  
 بنابر این بزرگترین وظیفه ما و هر فرد وطن پرست حقیقی روشن ساختن افکار و شناساندن حقایق با آنها میباشد و این بزرگترین و بالاترین وسیله است که میتواند باین بدبختیها فقر و فقرات ما خاتمه بخشد و این مسلم است که توده را مادام العمر نمی توان در جهل و نادانی نگه داشت یکی از بزرگان میگوید بک نفر را برای همیشه میتوان فریب داد ، چند نفر را برای مدت درازی میتوان گول زد ولی هر وقت جامعه توده را برای ابد می توان فریب داد و چنانچه

بقیه از صفحه ۱  
 توده ملت ایران از این خواب غفلت بیدار گردد و حقایق بر او واضح شود بخاطر مصالح خود دیگر زیر بار این گونه افکار نخواهد رفت .

بقیه از صفحه ۱  
 بنابر این تنها شستن در یک گوشه و تماشا کردن ما را بطرف لیستی سوق میدهد باید مبارزه اساسی و شدیدی بر علیه این گروه انکار در هر مکان و گوشه که هستیم شروع کنیم و با جدیت زیادی حقان را برای همه روشن نماییم و در این راه از کلیه عوامل یکپارچه استفاده کنیم و با یاری دهند کمک بگیریم و خواهد رسید آرزوی ما ملت ایران منافع حقیقی

بقیه از صفحه ۱  
 بنابر این وعده ای را از خود راضی نگذاریم تقاضا داریم شما باین شرایط پاسخ دهید .

بقیه از صفحه ۱  
 اینک ما و جواب شما

### طرز تفکر و ایده های

بقیه از صفحه ۱  
 تاریخ زندگی بشر در دوره های مختلف طرز فکرهای مختلف نشان میدهد هر دوره ای از تاریخ طرز تفکر مخصوص بخود دارد عقاید یک دوره در دوره قبل و بعد از آن وجود ندارد عقایدی که در یک زمان از بزرگترین عقلای آن عصر صبیح و شامندیده بوده در عصر و زمان دیگر مورد استهزاء هر طغلی واقع شده است .

بقیه از صفحه ۱  
 در دوره بردگی صاحبان غلامها هر طغلی را که میخواهند نسبت ببرده ها انجام می دادند ، آنها را می خریدند می فروشند آزار میدادند و اغلب می کشتند و برده ها هم باین نوع زندگانی عادت کرده بودند .

بقیه از صفحه ۱  
 صاحبان برده ها افعال خود را نسبت ب غلامها کلا طبعی و عادلانه می دانستند حتی فیلسوف نامی ارسطو هم این روابط اجتماعی را عادلانه دانسته و گفته است « برده یک ابزار جاندار است » یعنی همانطور که مالک میتواند در هر طغلی را نسبت با ابزار کار خود بکند ، آنها را بشکند و یا دور بیاندازد ، همان عمل را می تواند نسبت با ابزار جاندار < و غلام خود انجام دهد .

بقیه از صفحه ۱  
 اگر ارسطو در آن زمان روابط اجتماعی را عادلانه دانسته است - روابطی که امروز هر کس درک دبستانی به بی عدالتی آن واقف میباشد - تعصیر ندارد زیرا فکر او متعاقبا چنین تضاداتی را نکرده است این همان رژیم بردگی است که وی را وادار چنین تضاداتی نموده است انکار ما از ایده اجتماعی تضاد ما بستگی بوضع تربیتی اجتماعی ما دارد .

بقیه از صفحه ۱  
 مثلا اگر دو برادر یکی درباریس و دیگری در تهران بزرگ شود یکی با وضع تربیتی باریس با آید و دیگری در محیط تربیتی تهران پرورش یابد یکی دانشسگاه باریس و دیگری دانشسگاه تهران را طی بنماید ، این دو برادر دارای دو طرز فکر مشخص می شوند که در خیلی از موارد با یکدیگر اختلاف عقیده دارند و علت آن این است که اثرات تربیتی و پرورش که بر مغز این دو برادر وارد شده است از دو نوع خانواده و دو نوع اجتماع و خلاصه دو محیط متفاوت بوده است .

بقیه از صفحه ۱  
 مدت تفاوت این دو محیط است که ، یکی نسبت بدیگری جا و ترمین تر است ، بدین معنی که در یک محیط سیستم اقتصادی ، در اثر تکامل ابزار تولید پیش افتاده تر و روابط اجتماعی آن عادلانه تر از محیط دیگری است . سیستم اقتصادی امروزه مالک مختلف را بر بزرگتر بد و روابط اجتماعی آنان را در نظر بگیرد . هر مالکی که از حیث اقتصادی جلوتر میباشد و توانسته است از آخرین سیستم مالکیت های صنعتی نفعی به بهترین وجه استفاده نماید ، تمهید آن از سایرین بیشتر است و بالعکس مالکی که نتوانسته است از کامل ترین ابزار تولید استفاده نماید از تمدن نسبتا بی بهره مانده اند و انکار آنان تقریبا ب همان حالت بدوی وابستگی باقی مانده است .

بقیه از صفحه ۱  
 پس نتیجه می گیریم که طرز تفکر اجتماعی بستگی کامل ب روابط اجتماعی و ابزار تولید دارد .

بقیه از صفحه ۱  
 خویش را درک کرده و بر سر اوشت خود حاکم شده و جامعه بوجود آورد که کلیه افراد آن به حرف بلکه حرفتندار مقابل قانون مساوی الحرف بوده و هر کس به تناسب ایالت و کارش از اجتماع بهره گیری .

### اتحادیه اعراب

بقیه از صفحه ۱  
 خود را بدست آوردند . چون جنگ آغاز شد دولت عثمانی با آلمان آتوق بر علیه متفقین آروز وارد جنگ گردید و به ملت اینکه حکومت آن مانند حکومت های جابر استکبارش به ملت خود بود و سر پا وحشت و ترور بود و همه را باطن بر علیه آن آماده بردند بزودی امپراطوری عثمانی از هم پاشیده شد و مابین عرب با جمالشان پایی که در این راه کردند استقلال خود را بدست آوردند .

بقیه از صفحه ۱  
 ولی میلیون غائل عرب منوجه بردند که در پس پرده عوامل دیسگری دارد بوجود میاید که خطر آن اگر بیشتر از عثمانیها نباشد اندک نیست و آن عوامل نفرذ دول استعمار طلب بود که در حساس آن بدست کابل اوراس مر و فاجرا میشد در مدت ده سال افامت این مرد شریف را در عربستان و بین بطوری خوب وظیفه خود را انجام داد و افراد آزوده بجامه عرب اهدا کرد که همه بر سیاست او تحسین انگذند بجهین مناسبت و بهات زیرکی و زبردستی او را « پادشاه بی تاج و تخت عرب » لقب دادند .

بقیه از صفحه ۱  
 در عرض مدتی ۲۵ سال بین دو جنگ جهانگیر امپراطوری انگلستان خود را در این ممالک کاملا مستقر ساخت و کشور عراق را بطوریکه مستعمره در دست گرفت و ملت های فلسطین را تقویت نمود فلسطین را تحت قیودیت در آورد و باین بنده در صحنه ؟

بقیه از صفحه ۱  
 پیدایش قانون انضوریات اجتماعی است . بشر در تمام دوره های تاریخ هر وقت به تقاضای احتیاج پیدا کرده آثار وضع اوده است بهارت دیگر هر وقت روابط تولیدی بدرجه ای رسید که با تقواین موجود نتوانست سازگار باشد قرار جبراً ارائه میدهد . پس پیدایش قوانین هم از روی فکر اشخاص نیست بلکه ضروریات اجتماعی ، قانونگذاران را وادار بوضع قوانین نموده است .

بقیه از صفحه ۱  
 مثلا در دوره بردگی برده ها عادت کرده بودند که در اختیار صاحبان خود باشند و اگر کسی تخطی می کرد مجازات می شد . همین عمل باعث پیدایش قانونی شد که بمرحوب آن برده های انارمان مجازات حتی کشته میشدند .

بقیه از صفحه ۱  
 پیدایش قانونی که روی رژیم آن موقع و در اثر ضرورت تنظیم شده بود بواسطه واژگون شدن سیستم بردگی از بین رفت .

بقیه از صفحه ۱  
 بخوبی پیداست که « ضرورت اجتماعی » چگونه باعث پیدایش قوانین اجتماعی میگردد .

بقیه از صفحه ۱  
 ما امروز در دوره خودمان شاهد و ناظر هستیم که کلیه قوانینی که وضع میشود از روی ضرورت و احتیاج است نه اینکه قانونگذاران در اثر لنگر خود آثار وضع نمایند . اگر امروز طرح مجمع ملل متفق ریخته شده و منشور آن تهیه گردیده است ، از ابتکارات سران دول متفق نیست بلکه لزوم صانع و همکاری بین المللی ایجاد یافته بدینکه منشور ملل متفق امضاء و پایه مجمع آن گذارده شود . اکنون بخوبی مشخص میشود که پیدایش قانون در اجتماع ، تابع انکار انرا نیست بلکه روابط اجتماعی ( روابط تولیدی ) است که سبب پیدایش قوانین می گردد .

بقیه از صفحه ۱  
 و چون در اثر تکامل جبری ابزار تولید ، روابط اجتماعی پیوسته در تغییر است پس الزاماً ابزار قوانین را نیز میدهد قوانین گفته را نو و بجای آن قوانین تازه تری وضع مینماید .

نظر بر فصول ۵۰۰۰

بقیه از صفحه ۱

ما فقط قسمتی از یهودیان از آنجا به مصر مهاجرت وقت دیگر در فلسطین باقی ماندند - هنگامیکه یهودیان پس از چندین سال دیگر مجدداً از مصر تحت رهبری موسی به فلسطین وارد زمین مقدس شدند قسمت عمده از اهالی کنعان یا فلسطین را از زمان پیشین یهودیان تشکیل میدادند - از این لحاظ اعراب که آن سرزمین را از آن خود وزمین اجدادی خویش میدانند هیچگونه قدمت و اولیاتی به یهودیان ندارند برای اعراب ، اورشلیم - جنه سومین شهر مقدس را دارد در صورتیکه برای یهودیان اولین شهر و تنها جایگاه مقدسی است که «میدان تاریخی و بنای تاریخ مقدس ایشان از آنجا سر چشمه گرفته است و به علاوه اورشلیم تا جایی برای اعراب مقدس است که سر منشاء احادیث و سنن و آداب خود را به نژاد یهود میرسانند - پس از فتح اورشلیم در سال ۶۳۷ میلادی بدست اعراب عبدالملک یکی از خاندان بنی امیه «مسجد عمر» و «کعبه سنکی» را درست در جاییکه «طاق عهد و میثاق یهودیان» و «میدان حضرت سلیمان» قرار داشت یعنی در مکانی که «یروین شنیام» (سنک بنای عالم) که به عقیده یهودیان از آنجا پسر و مرکز عالم میسر شدند بنا نمودند - اورشلیم در زمان حضرت محمد برای اعراب تشکیل قبه میداد که بعداً به ممالی آنرا با بعضی از تشکیلات دیگرشان تغییر دادند...

پس بنظر میاید مراسم و آداب را که موقتا معمول و بعداً ملئی شود اعراب دلیل و اساس ادعای خود بر فلسطین بدانند

خلاصه اگر فتح فلسطین بنظر اعراب مقدس است بهتر این است که ادعای صاحب جویانه یهودیان را نیز است با استقرار در آن مملکت مقدس دانسته و اشاره بشروع بودن یک «جنگ مقدس» برای ملئی که مهاجرت آزادانه ای را تجاوز بحق خود میدانند بسیار عجیب بنظر میاید

یک مکان یا محلیتی در آفتاب

متأسفانه هیچ ملئی امیدوار نباید در حل و فصل قضیه یهودی و شرکت نماید هر جا و هر منطقه ای در سطح زمین کاملاً اشغال و در هر مکانی که تصور شود قطعه زمینی به یهودیان واگذار کرد که با شرایط آب و هوای مناسب بتوانند در آن زندگی نمایند بدون شک بحق مالکیت و قلمرو دیگران تخطی شده و ایجاد عدم توافق با ملئی خواهد کرد که از سالها قبل در آن سرزمین استقرار یافته اند پس هیچ ملئیتی وجود ندارد که در آن یهودیان بتوانند جاه طلبی هر قدر هم کوچک باشد تشکیل دهند زیرا هر ملئی دارای ملئیتی بوده که بخود او تعلق داشته و آنرا با توهمات و کوشش اعتبار خود توسعه و ترقی داده و هیچیک از این ممالک هیچگونه با آداب رسوم یهودیان ارتباطی ندارد ولی اعراب از این لحاظ با سایر ملل یک تفاوت اساسی دارند زیرا که ملئیتی که ملئیت را بخود تعلق داده اما اعراب دارای چهار ملئیت است: ابتدا بر رگی از اعراب عربستان سعودی که جایگاه مراکز مقدس آنها است همین - عراق و مارواه اردن - هندوستان و ایجاد در صورتیکه ملئیت یهودی مصر که قسمتی از آن عربی است و همچنین سوریه و تمام مستعمرات شمال اروپا و استانیهای آن که هنوز قوانین اروپایی در آن رسوخ نگردیده است در نظر نگاریم بالا شرح کوچکترین و کم اهمیتترین مستعمره را که اعراب

اشغال و جمعیت عرب آن از مجموع نفوس اعراب جهان یعنی پنجاه میلیون فقط اقصی هزار نفر میباشد فلسطین است که مشروفاً و مجوزاً آنها مکانی است که با قوم یهود و اساس مذهب و آداب تاریخی او بتوانند یک ملت مستقل ارتباط مذهب تاریخی او اجتنابی دارد برای واضح نمودن قضیه فلسطین بهتر است اوضاع یهودیان و اعراب را با هم مقایسه نماییم.

نفوس یهودیان دنیا همیشه تعداد کوچکی را تشکیل داده و چپوخت از بازده میلیون و نیم تجاوز نکرده است از موع غایب دیگران بر فلسطین و مجرم شدن از خانه اصلی در کلیه اکناف جهان پراکنده شده و چه کشتارها و شکنجهها و بلا تکلیفیهایی که سایر ملل نظیر آرا دیده اند متحمل شده است - در ۱۹۳۸ نفوس یهودیان جهان به پانزده میلیون نیم تخمین شده و از این عدد تقریباًش مایرون آن در ممالک مختلفه اروپای غربی و جنوبی نازیهها شده اند - پس پیشتر یهودیان با تلفات بهتر تولا و کوشش برای یافتن پناهی در سرزمین اجدادی خود هیچگونه یک «جنبش مصنوعی و سیاسی» نبوده بلکه جنبشی است که احتیاج و پریشانی و اضطراب و استیصال آنرا ایجاد می می نماید قوانیه که ملت یهود در اعلامه با لاور پس از جنگ گذشته داده شد در دوره سیاست صلح جو باه انگلستان که مستقر چرچیل نیز قبل از نخست وزیریش آرا سخت با ائتلاف گرفت، کم کم قسمتی بفتح خود انگلستان و قسمتی نیز بفتح اعراب خانه یالت فلسطین برای دولت امپراطوری انگلیس یک راه حیاتی را بین خاور نزدیک و هندوستان تشکیل میدهد و از این لحاظ برای حفظ منافع امپراطوری یهودیان که ناچار و از راه احتیاج جزو متغیبن انگلستان در آمده بودند فدای اعراب که منگی بر نفوس ، قدرت سیاست و نفوذ برادران هندوستانی خود بودند گردیده و آنچه این سیاست میجر به منع مهاجرت یهودیان به فلسطین درست در زمانی گردید که مایروها اثر برادرانشان در اروپا به مرگ قطعی تهدید میشدند

مقایسه احتیاجات اعراب و یهودیان

این است وضعیت یهودیان - برای جلوگیری از بروز آتی سعی تیم هیچ گروه ضمائی در هیچ یک از نقاط جهان وجود نداشته و نخواهد داشت. از طرف دیگر اگر هم علاقه و بستگی های روحی مذهبی و تکاملی یهودیان را نسبت به فلسطین که حاضرند با هر گونه انداکاری و از خود گذشتهگی در آنجا برای خود خانه و سامانی برپا کنند از نظر دور بداریم قطعا! و بطور یقین هیچ مکان و سرزمین دیگری که قابل قبول بشر باشد و خود نخواهد داشت که این پناهگاه گانه شده باشد را منزل دهد - یهودیان حاضرند با منتهی انداکاری خود در این نقطه زمین کوچک را که فلسطین نام دارد تبدیل بکشوری آباد و مترقی و امواتی از تمدن کنونی نمایند. کار و کوشش را که جوانان یهودی در چند ساله اخیر تشکیلات صیونیت برای فلسطین انجام داده اند فقط میتوان از کتاب متن اودر مبلکسر تحت عنوان «فلسطین» سرزمین معهود» فهمید اینها بیاناتی است که در کتاب «مصره ما و زمین های سوخته» را تبدیل بکارزارها و نصیبات حاصلخیز ، جنگلیها و چیده نزار شهرها نموده اند - مستعمراتی ایجاد کرده اند که بر اساس تشکیک مساهل اداره می رود و خصوصاً سطح زندگی اعراب و یهودیان را هر دو یک پایه بالا برده اند

اتحادیه اعراب

بقیه از صفحه ۳

مماهد دره نیل را برای حفاظت ترعه سواز در دست گرفت و با اینکه سوریه و لبنان در دست فرانسه بود آن را محاصره سیاسی کرد البته سایر ممالک عربی از قبول اتحاد وین و مارواه اردن نیز طبق دلخواه اداره میشد.

دز عرض این مدت ممالک عرب شاهد رقابع خونین بوده اند که جنگ های داخلی فلسطین بین عرب و یهود و سنی و شیعه بر سر مزارعتبر که خود از آن قبیل است . قبل از شروع جنگ اخیر کامکاهی زمزمه اتحاد ممالک عرب از گوشه و کنار بگوش می رسید و ملاقاتها و دید و بازدیدهایی از سران عرب بعمل می آمد ولی صورت عمل بخود نگرفت تا اینکه جنگ بیابان رسید و حال امپراطوری انگلستان که نقشه را برین جنگ طرح کرده بودند موضوع اتحادیه اعراب را پیش کشیدند و بدون اینکه ملت عرب دشمنی را برای خود فرض نمایند دولت های آنها به پیوند اتحادیه دست زدند طرز تشکیل این اتحادیه چه ملی نداشت زیرا اولاً مال عرب خاور میانه استقلال داخلی بهمائی واقعی نداشتند که بتوانند حکم و متوازا خود انتخاب نموده آرزوها و آمال خود را بر آورده نمایند به تشکیل چنین اتحادیه اقدام نمایند و ثانیاً دول دیگری آنها را تهدید نمیکرد که محتاج چنین اتحادیه باشند یا منافع دیگری در منافع امپراطوری انگلستان در آنجا مورد تهدید قرار نمیکرد ولی صورت ظاهر احساسات نژادی و مذهبی ملل عقب مانده عرب را را تویج نموده چنین را نمود کرد آنکه این اتحادیه برای فقط منافعه آنها بوجود آمده است با وصف کلیه این تبلیغات در داخله کشورهای عربی چون تشکیل اتحادیه اعلام گردید امپراطوری انگلستان از این موقعیت خود بر خود پاینده در رادو خود رسماً اعلام داشت که «اتحادیه اعراب یک شاهکار سیاسی انگلستان بشمار میرود»

تا اینجا مختصراً تاریخچه بوجود آمدن اتحادیه اعراب را جهت خوانندگان شرح دادیم در شماره های آینده شان فراهم کرد که اتحادیه اعراب چه رلی را در خاور میانه و شرق نزدیک بازی میکند

یهودیان حاضر و مایند که هر گونه ضمائی برای حفاظت محل های مقدس و حقوق اجتماعی و در حقیقت بطور مستقل با اعراب و مسیحیان بدهند و از نذل هر نوع مساعدت و بکار انداختن تجار با تصادی و علمی برای پیشرفت اعراب و یهودی زندگانی آنها بطرز جدید مشابه نخواهند کرد - ولی متأسفانه اینها مساللی است که رهبران عرب با آن موافق نیستند زیرا اساس مقاومت و مخالفت اعراب با تشکیل یک فلسطین یهودی نه مذهبی و نه سیاسی است بلکه بیشتر اجتنامی و اقتصادی میباشد - در حقیقت جمعیت عرب فلسطین با مقایسه نفوس اعراب آسیا و شمال آفریقا فوق العاده کوچک و کم اهمیت است پس چه طور روسای قبائل رهبران ملت عرب متوسلیمه موسولینی به لیبی هجوم آورده و آرا منصرف شد دلایلی اسلامی را بر ضد رژیم او شورانیدند بلکه اغلب همکس با او دارای روابط صمیمانه ای نیز بودند - ملئی اورشلیم و سایر رهبران در پدیده های رم و موانع بر سر راه ای پشمار میرانند - مالکیت سرمایه دار عرب برای یهودی اوضاع و تغییر سطح زندگی اهالی در ممالک خود هیچگونه اندامی ندارند - ممالک پناز عرب هنوز فوق العاده کم جمعیت و اهالی آن تحت شرایط و اوضاع امکواری

بهداشت از جمله بهار

دشمنان کوچک ما مگس

یکساعت از ظهر میگذرد، سکوت در خانه حکمفرماست و شمعی چند از پنجره باطاق میتابد ، ذرات بیشمار در آنها برقص آمده است.

آفتاب امروز در بیرون با شدت تمام اور افشانی میکند، مردوزن توانگر و درویش برای لحظه آسایش بر بستر نرم یا زمین خشک خوابیده اند .

طنین مگس گوش را زحمت میدهد با اینکه صورت انسان باز ایست، غارش در گردن و لب و گوش و بینی و دست و پا احساس مینماید .

ممکن است این دشمن با یک تکان فرار کند اما بر حملات خود افزوده گاهی از صورت بدست ها و گاهی از گردن بصورت می اشیند انسان بیدار شده چند سبلی بسروصوت خود میراند چاره ایست به باز زنده ایست میدهد ایشهای ریز و به جای بدن فرو میرود این جانوران سیاه پوش درها و دیوارها و سفر و زمین و همه جارا فرا گرفته ، دسته ، دسته در پروازند. عرق صورت انسان رطوبت بوزه حیوان - خرد ریز سفره ، سبزی و میوه ، تمام اغذیه با مزاج مگس سازگاراند ، این طربلی شکم پرست میان خوب و بد فرق نمیکند و همه خورد . کهای را آورده میکنند

مگس دشمن شاهاناز بیلاسی و مساکن دهقانی است . این حیوان موزی در همه جای زمین دیده میشود ، حتی در اواخی قطب نیز اسکیموها را ازبیت میکند ایداش خاکستری پیشش پیش سیاه ، بالش لاچوردی - خرطوش دراز ، چشمش بزرگ - بیش آن سه شاخه و کرتاه ، باهایش با موی دراز پوشیده است ، مگس خانگی هفته سه بار میسان لاشه حیوانات و گوشت و سبزی کندیده و طروف چرک از شصت تا هفتاد تخم میکندارد

این سوزچران مردم آزار ، هزار ها میکرب امراض را از جایی بجایی میرود . انواع مگس بسیار و اوهی که بافتل میکرب سیاه زخم است از همه بدتر و مویش تر است

تکلیف همه با این دشمن کوچک خانگی معلوم است

زندگی مینماید . پروفیسور هیندر کتاب خود درباره اعراب می نویسد که «زندگی در دمشق در قرن هشتم چندان تفاوتی با زندگی امروزی آنجا نداشته است اما مطلب اینجاست که آفتندی های بزرگ عرب از سرمشق و تزیینات مستعمرات یهود فلسطین که سطح زندگی ملل خاور - میانه و کارگران عرب را بپودی میبشدند ترسیده و برای جلوگیری از هر گونه اصلاح اجتماعی که برخلاف منافع شخصی آنهاست چون فاشی آنها دست به عوام فریبی و تصیبات ملی برده و بپروی مقاصد اصلی خود برده میکنند - قطعا بدون تردید ویی گفتگو اگر وجود این رهبران و معرکین مفسده جو که از طرفی این آت دست دیگرانند نبرد به طور یقین مواقت و تشکیک مساهل کامی بین اعراب و ملت یهود انجام میگردد.

آهیه مهر لاسیتیک در ۲۴ ساعت شبان لانهزار جنب با ساز ایران

شبهه های صبی

پس از آنکه بملت و قبا یح بظاهر عجیب و معجزه آمیز و پادشاه ترس شدید شدند و از مقاومت و تهریکات بر شد شبه تالی خودداری کردند . این امر موجب تقویت شبه تالی شد زیرا دیگر بطور کلا غلنی خود را همه جا معرفی و وعظ میکرد و هنگامیکه در معابر میکشیدت برچی در جلو او حرکت داده میشد که بر روی آن نوشته شده بود «دست راست خداوند بر افر داشته شده است»

یکی از اقدامات شبه تالی این بود که سلطنت دنیا را میان طرادارانش تقسیم میکرد بیکی از برادرانش عنوان «سلطان یهود» و دیگری «سلطان اسرائیل» را داد و برای خودش نیز عنوان «شاهنشاه دنیا» را انتخاب کرد نفوذ او با اندازه ای در این وقت زیاد شده بود که یکی از اشخاص برجسته بهات مخالفت با او نزدیک بمرگ شد . شهرت شبه تالی سر میا در تمام نقاط دنیا منتشر میشد . تاثیر این موضوع در یهودیان با اندازه ای شدید بود که در بازار های اهلستان آلمان هامبورگ و آمستردام یک به خوردگی شدید پدید آورده بود

زیرا کلیه یهودیان بدون المصال راجع باین موضوع عجیب بحث میکردند . از کلیه نقاط برای بدست آوردن حقیقت موضوع و اطلاع یافتن بر آن کسب خبر میشد از آمستردام تحقیقاتی از امانندگان تجارانی که در محل سکونای شبه تالی ساکن بودند میشد و در پاسخ کلیه این تحقیقات فقط یک جواب موجز میسر شد و آن این بود «این خود او است و جز او کسی نیست»

در ضمن مرتبا هدایای فراوان و کرانهایی برای او میسرید و امانندگان فراوانی از کلیه نقاط بدر بار او میامدند و همه این اشخاص با اندازه ای زیاد بود که گاهگاه چند هفته بطول میانجام میدادند موافق بدیدار او شوند عکس از شبه تالی تهیه شده بود که بالای آن تاجی از طلا دیده میشد مزبور بیست و یکم داود را مقابل او میخواندند و در گنجینه یزرگی تیفلی جمعی میخواند که در آنجا او را بعنوان ماشیح مورد میشناختند . این اعمال تفریش با اندازه زیاد بود که در کلیه نقاط دنیا مخصوصاً اسراو یک و فلسطین به خاطر اهلای اسرائیل در خیابانها راه میرانند و مژده پدیدار شدن ماشیح را بپوش میدادند

فلگراف از گلپایگان

انجمن گلپایگان در روشت کانون در مانگه همکالی روشت عالم یهود روشت شایسته کمن صدق روشت اسرائیل مدتی است تب راجه در میان توده اسرائیل کاپایگان طنبنان آمده بطور رفت آوری شدت درخواست جماعت آمدن ابراهیمیان بزرگ برای کمک که هارون صد نفر از توده فقرای استری ۵ نفر القمیت در صورتیکه دارو نرسد تلفات زیاد دکتر هارون شبانه روز مشغول بدیاری مرضی نقاشان و لازمه نوری از طرف انجمن کلبه یار دکتر هارون آقایان حاخام اورانده کسالی

ما توجه وزارت معترم بهداشتی و انجمن گلپایگان تهران و کانون خورشاه را بدو موضوع حیاتی فوق حاب و امیدواریم که هر چه زودتر اقدامات لازمه را برای جلوگیری از شیوع بیشتر زائفات همه می بعمل آورند

«اسرائیل»

عشق و عشق

بقیه از صفحه ۲  
 - میآیم بشرط آنکه مرا ببیند.  
 - آخر چرا ۱۰۰۰۰  
 - برای اینکه آنوقت ممکن است  
 بعضی اتفاقیها بیفتد که تو میدانی.  
 - مثلا میخواهی بگویی چون تو از  
 من فشنگری تر بجای من انتخاب میکنی؟  
 - هوشی جان تازه میخواهی به من بدهی  
 در بزمی ولی جان خودت میان من و تو این  
 چراها نیست.  
 عاقبت استاد عشق حاضر شد همراه  
 شاگردش برای دیدن معجوب او برود  
 ولی قرار شد مشوق او را برای آنکه  
 بعضی اتفاقیهای تازه ایفته - از دور  
 ببیند و برود  
 کچه هوشنگ از شدت هجران و  
 بدبختی آنکه درس را حاضر نبود میل  
 انداخت سر کلاس برود ولی عاقبت به  
 اصرار چهارنگر سر کلاس رفت و  
 بعد از حضور در کلاس پشیمان شد  
 برای آنکه استاد از او درس پرسید و  
 اتواست جواب دهد. استاد که سابقا  
 او را شاگرد خاموش و درس خوانی دیده  
 بود سرزنش کرد هوشنگ هم که دیگر  
 دارای آن عقل و فکر و روحیات سابق  
 نبود پاسخ داد و نتیجه آن شد که استاد  
 باو اخطار کرد که دیگر اجازه ندارد  
 در کلاس او حاضر شود.  
 وقتی که درس تمام شد هوشنگ و  
 چهارنگر مثل تبری که از چله کمان خارج  
 شود از دانشگاه بیرون رفتند و در عرض  
 چند دقیقه خود را به محل بهادر رساندند  
 و فتنه که به عمل میبود رسیدند یکبار  
 دیگر چهارنگر به هوشنگ گفت  
 - بابت اردو او را از دور ببین نشان  
 بده. پس از آن من بی کار خودم میروم  
 شما با هم خوش باشید.  
 وقتی آنجا رسیدند هنوز آن معجوب  
 ایامه بود. یک ربع که به هوشنگ پیش  
 از یک قرن و بیچارگی این بسیار سخت  
 گذشت منتظر بودند تا او آمد.  
 یک مرتبه دختری حقیقتا زیبا از  
 همینجا که کمان میکشید فرشته بهشتند  
 که بزمین آمده اند تا درس عشق و صفا  
 بدهند از بیج خیابان بچید و داخل این  
 خیابان که دو جوان منتظر بودند  
 قلاب هوشنگ سخت طپید و دست  
 نودرا بر روی شانه دوست خود گذارد  
 با انگشت او را نشان داد و گفت:  
 - ببین خودش است آمد؟ همان  
 که دامن مغفل سیاه و پیراهن تافته سید  
 پوشیده است. من این ایاس او را خیلی  
 دوست دارم. اقبال این را بغض من  
 بن میکند.  
 چهارنگر مانند آنکه کور است  
 و اصلا کسی را ندیده است با تعجب  
 پرسید.  
 - کو... کجا... کدام طرف...  
 گویا بگویی ۱۰۰۰۰  
 هوشنگ بی آنکه از دست ذوق  
 هجران بر گردد و بر سرفاق خود نگاه  
 کند شانه چهارنگر را سخت تکان داد و  
 گفت.  
 - چطور... مگر امری نیست...  
 خوب تماشا کن. حالا دیگر همانطور  
 که تو میکنی هم ستاره روز است  
 و هم ماه شب بین دور کسی و  
 زبانی از سر و پایش بیاید.  
 هوشنگ مست هوام خودش بود.  
 چهارنگر که از خشم مبارزه ها  
 خود را از دست او بیرون کشید و گفت:  
 - احسن پیشور این خواهر من  
 است.  
 چندی ایامه بود که هوشنگ سگ  
 گند... هلاکت گند  
 - چهارنگر جان نگند از پناه کرده

ستون بانوان

خانه داری

چند دستور طباشی

- ۱ - اگر سبب زمینها در آب  
 له شده آنها را در دستمالی ریخته  
 فشار دهید پوره خوبی خواهد شد
- ۲ - برای پوست گرفتن هویج  
 اول آب جوش روی آن ریخته بعد در  
 آب سرد بریزید پوستها فوراً جدا می  
 شود.
- ۳ - برای خوشه زره نمودن سبب  
 زمینی سرخ شده ابتدا ده دقیقه آنها را  
 جوشانیده و بعد ششک در شده سرخ  
 کنید در موقع سرخ کردن هیچوقت نمک  
 نزنید.
- ۴ - ساقه های سبب کرفس را خشک  
 کرده بکوبید و در شیشه ای نگاهدارید  
 برای معطر کردن سوپ مفید است.
- ۵ - بهداز پوست کردن پیاز فوری  
 دست ها را با یک تیکه سبب زمینی  
 خام به مالید روی آن رفع خواهد شد
- ۶ - برای تازه ماندن کاهو بعد از  
 شستن آنرا در ظرفی که در آن آب نمک  
 بسته باشند نگاهدارید.
- ۷ - برای سبب و تازه نگاه داشتن  
 جعفری آن را شسته و با پیاز خشک  
 نموده در شیشه ای سر بسته مایه آنک  
 قرار دهید.
- ۸ - هویج و سبب زمینی شورک  
 های ساده ای هستند که برای نو بدن  
 ضروری میباشد هیچوقت آنها را خیلی  
 نجوشانید.
- ۹ - برای نگهداری پیاز و پیاز  
 پخته آنها را در سبب که بریزید هم معطر  
 و هم سالم میماند.
- ۱۰ - خورده های پیاز در یک شیشه  
 سر بسته باید نگاهداری شود از کپک زدن  
 آن جلوگیری میشود.
- ۱۱ - ذرات ریزه پیاز را جمع کرده  
 بسایید و در روی تیکه های کوچک آن  
 که با کره چرب کردهاید بپاشید و در  
 فر سرخ کنید برای خوردن با چای بسیار  
 خوب است.
- ۱۲ - برای زدن تخم مرغ یک  
 گرده جوهر را به بافت آسانی کار خواهد  
 بود.
- ۱۳ - برای جلوگیری از فاسد  
 شدن شیر بطری شیر را در آبی که  
 یک قاشق سوپ خوری نمک و یک قاشق  
 سودا در آن باشد نگاهدارید.
- ۱۴ - هیچوقت شیر سوخته را  
 دور نریزید با کمی مخلوط کالاف و  
 نشاسته از بوی آن جلوگیری کرده  
 و یک قسم شیرینی خوب خواهد شد
- ۱۵ - برای جلوگیری از سر  
 رفتن شیر یک لوله در ظرف بگذارید  
 شیر در موقع جوشیدن از لوله بالا  
 آمده و از سر رفتن جلوگیری می  
 شود.
- ۱۶ - در موقع جوشانیدن سبب  
 کمی نمک بدان اضافه کنید خوش طعم  
 شده و کمتر شکر مصرف خواهد شد

اهداء دارو

از بهاداری تل و موارات عمومی  
 اطلاع میدهند که داروخانه و همسره  
 فروش پاسور ۹ قلم از دارو های  
 کثیر الاستعمال را به اداره بهاداری اهداء  
 نموده و اداره کل بهاداری هم از همسره  
 فروش مزبور سپاسگذاری نموده است.

تعمیرات و تعمیرات

روز سه شنبه منتشر میشود و حاوی  
 باسببهای کاربکتور ساق و اخبار مهم  
 دنیا و مطالب سودمند میباشد بخوانید  
 بها در تمام کشورهای ریل است

تصحیح

در شماره گذشته در مقاله ای تحت  
 عنوان «چه شخصی قابل نامیدند» است  
 چند اشتباه چاپی رخ داده است که یکی  
 از آنها را باین طریق تصحیح مینمایم  
 «انرا جامه بایستی باین نکته اساسی  
 بی براند که دوره با نازدهم مجلس شورای  
 ملی جزء دوره های گذشته است...»  
 صحیح آن «انرا جامه بایستی باین  
 نکته اساسی بی براند که دوره با نازدهم  
 مجلس شورای ملی «چیز» دوره های  
 گذشته است...» میباشد

هیئت ما مور باز روی  
 تهران (شیر گزاری پارس) هیئتی  
 از طرف جناب آقای نخست وزیر مرکب  
 از آقای سرهنگ علاء و آقای ورزی  
 آقای مهدی لوری مدیر روز نامه داد  
 و آقای احمد ملک مدیر روز نامه  
 ستاره صبح دیروز بوسیله هواپیما عازم  
 تبریز شدند که از آنجا افاط مختلف  
 آذربایجان را بازدید نمودند مشاهدات  
 خود را راجع بانجام امر تعاقب از طرف  
 ارتش سرخ بدوای گزارش دهند.  
 شیر بهد حاکی است که این هیئت  
 به تبریز رسیده و از آنجا به سمت قازاق  
 و مراد حرکت نمودند.

روز اول مه در فلسطین  
 روز اول مه در فلسطین با آرامش  
 گذشت و بطور کلی کارگران اسرائیل  
 تعطیل کرده و به مناسبت جشن کار نمایشانی  
 ۲۱-۲۰-۱۹-۱۸-۱۷-۱۶-۱۵-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱  
 روزهای ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱  
 و سوسالیتی تزیین شده بود  
 در اورشلیم - در طلال ادیون -  
 کارگران اسرائیل و عرب و حتی سربازان  
 انگلیسی در یک انجمنی شرکت کردند  
 که میباید بلورل رئیس سابق کابینه  
 وزارت داخله زمان لئون بلوم در آن  
 صحبت کرد و همچنین منشی اتحادیه  
 کارگران عرب نیز بیاناتی نمود  
 عصر سه شنبه (شب اول مه) چهار  
 صد دهانصد نفر کارگر عرب در جشن کار  
 که از طرف هیئت تدویر در طلال بزرگ  
 اورشلیم داده میشد شرکت کردند  
 ضمناً متذکر شویم که کارمندان  
 دولتی هم از یهودی یا عرب در فلسطین  
 فرصت را ضایع نموده و انحصار مسالمت  
 آمیزی نموده اند باینکه دیگر دست اتحاد  
 داده اند که به تفوق حقه خود برسند  
 از اینجاستی توان بی برد که همیشه  
 بین توده اسرائیل و عرب صدات برآوردی  
 و انضباط برقرار بوده است

شوروی و کمک باعرب

بیروت - خبرگزاری پارس - دولت  
 سوریه خبر مبنی بر اینکه وزیر مختار  
 اتحاد جماهیر شوروی در آن کشور  
 مطالب اعراب را در فلسطین ملاحظه  
 نموده است و وعده کمک را با اعراب در  
 شورای امنیت داده تکذیب نموده است

مجلس عالی یهود

اورشلیم خبرگزاری پارس - مجلس  
 عالی یهود برای رسیدگی بنامه کمیسیون  
 عالی انگلیس در فلسطین راجع به گزارش  
 کمیته انگلیس و امریکا جلسه ای تشکیل  
 خواهد داد

آژانس یهود

بیت المقدس - خبرگزاری پارس -  
 کمیته عالی اتحادیه اعراب بدولتهای  
 معظم مراجعه نموده و انحلال آژانس  
 یهود را که پس از جنگ گذشته هنگامی  
 که قیمومت فلسطین به انگلیس واگذار  
 شد تشکیل یافت تقاضا کرده است.

دولت انگلیس رسماً اعلام نموده  
 که راجع بگزارش کمیسیون انگلیس  
 و امریکا راجع به فلسطین هیچگونه  
 تصمیمی اتخاذ نخواهد کرد مگر آنکه  
 قبلاً نظر دولت امریکا و همچنین نظر  
 روسای یهود و روسای اعراب راجع  
 نموده باشد

انجمن یهودی و عرب

لندن - خبرگزاری پارس - شایعات  
 مبنی بر اینکه دولت انگلیس تصمیم  
 دردد انجمن عمومی از یهودیان و اعراب  
 برای بحث در موضوع فلسطین در لندن  
 گرفته شده است

نامه ها و شگاریت

یسنکی از یهودیان بابل  
 طی نامه ای که با اداره ارسال داشته  
 است از طرز رفتار توهین آمیز صاحبان  
 حمامهای آن شهر نسبت بیهودیان و عدم  
 توجه شهرداری باین نسبت باین موضوع  
 شکایت نموده است  
 نامه برده ظاهر میگرد که افراد را  
 بصراف یهودی بودن حتی در نرده های  
 مخصوص هم راه نمیدهند و این موضوع  
 باعث انتشار بیماریهای زیادی در بین  
 توده گردیده است.  
 ما توجه وزارت بهداری و شهرداری  
 مربوطه را به موضوع فوق جلب نموده  
 خواستاریم هرچه زود تر در رفع این  
 تعذیبات که قطعا بیهداشت عمومی لطمه  
 وارد میآورد اقدام جدی مبدولدارند

تشکیل دهد نماید شده است ولی این  
 موضوع مخالف با ایت وانی دولت  
 انگلیس برای تشکیل کمیته انجمنی  
 است و ممکن است برای حل و فصل  
 قضیه فلسطین یک کنفرانس نیز گردد  
 تشکیل گردد

یادداشت بسرائان یهود و اعراب

دمشق - خبرگزاری پارس - سرائان  
 کبیرنگام کمیته عالی انگلیس در فلسطین  
 یادداشتی به یهودیان اعراب و  
 یهود از طرف دولت انگلیس تسلیم  
 نمود. ضمت آن یادداشت تقاضا شده  
 است که اعراب و یهودیان نظریات  
 خود را نسبت بگزارش کمیسیون مختلط  
 انگلیس و امریکا و نتیجه موضوع  
 مهاجرت صد هزار یهودی به فلسطین  
 اظهار کنند.  
 مفاد این یادداشت باینست که  
 که نهاد در دمشق اقامت دارد تسلیم  
 شده است

کمک با ایران در دفع ملج

مسکو - خبرگزاری شوروی -  
 بر حسب تقاضای دولت ایران وزیر  
 کشاورزی شوروی و اداره هواپیمایی  
 کشوری یک دسته هواپیماهای سبک از  
 نوع (آ-ب) که مخصوص مبارزه با ملج  
 میباشد به ایران فرستاده اند.  
 این هواپیماها برای سم پاشی به  
 زمینهای مورد هجوم ملج و سایر  
 ممرض میباشد.  
 تاکنون چندین سال است که نیروی  
 هوایی شوروی در این زمینه به ایران  
 کمک کرده است.  
 ملجها قبل از اروپا لدر آوردن  
 با این وسائل مدموم میکردند.  
 مطابق ارقامی که از اداره هواپیمایی  
 کشوری در پنجم ماه مه رسیده هواپیما  
 های شوروی در یک مسافت ده هزار  
 هکتاری مشغول مبارزه با ملج و از بیست  
 بردن آنها شده اند.

آگهی

چون طبق دستور وزارت دارایی این اداره باید بهدارک خرید چای یک  
 از هند دوستان بحساب سهیمه ۱۹۴۴-۱۹۴۵ دولتی وارد شده رسیدگی نماید  
 بانایان بازرگانان وارد کننده اخطار میشود مدارک خرید چایهای خود را  
 در این اداره بداره خرید نقد و شکر و چای تسلیم نمایند تا در صورتیکه  
 مشمول تمویقینا شماره ۳۶۵ - ۳۶۶ مورخ ۲۰-۹-۲۵ باشد  
 اجازه ترخیص آن بکارگزاران مربوطه داده شود

انتخاب

درمان قطعی سوزاک حاد در دو سهاعت

و هزینه در شش سهاعت

دکتر نصرت الله بخور بدبرائی صبح و عصر چهار راه سرپوشه

آزادبخوانان در امور ۵۰۰۰

بقیه از صفحه ۱ آنها بی سرمایه میگویند آن عده یهودی که دسته دسته در خانه های مرطوب و خراب زندگانی برمشقت خود را به آخر رسانیده سر او نشان جان دادن در زیر آوار خانه از بی دردیته گریه ای میباشند...

آگهی قابل توجه

در تاریخ ۲۳/۲/۳۰ و فتح تبریل منزل مسکونی به حاجی اسحق قهرمانی ۵۲۰۰ ربال با تمام یک مازا یک بابک ملی بازار شماره ۶۶۵۸۸ به ۱۲۵۰۰ ربال با شاه آقای ابراهیم لاریان مفود شده بدین وسیله آگهی میشود که یک مریور از درجه اعتبار ساقط میباشد

پروفز عر هروان

خطب دکتر نصرت بیضا

کاروان بیمار بیهای چشم از منزل هادروان دکتر اجات بیضا بچند قدم با این تر (خوابان سدی) انتقال یافته است

اصلاح جامعه ما

بقیه از صفحه ۱ تزیینات مفید نیستند و عقیده دارند آنچه هست خوب و مفید و طبیعی و کافی و غیر قابل تغییر است

و درحالی نیز که پیشرفت و ترقی دیگران را مشاهده مینمایند آرا با نظر بد بینی تکسریسته سعی دارند از انجام اعمالی که موجب آن تغییرات میشود دوری نمایند بناچار این قبیل جمعیت ها...

در این جا ممکن است متوجه شویم که ما افراد بیجسته ای که مورد توجه دنیا است داریم ولی همین استثناءها و بر جسته بودن بعضی افراد و اشاره کردن بآنها و منتظر بودن بوجود ملذذ ایشان...

در این جا ممکن است متوجه شویم که ما افراد بیجسته ای که مورد توجه دنیا است داریم ولی همین استثناءها و بر جسته بودن بعضی افراد و اشاره کردن بآنها و منتظر بودن بوجود ملذذ ایشان...

در این جا ممکن است متوجه شویم که ما افراد بیجسته ای که مورد توجه دنیا است داریم ولی همین استثناءها و بر جسته بودن بعضی افراد و اشاره کردن بآنها و منتظر بودن بوجود ملذذ ایشان...

در این جا ممکن است متوجه شویم که ما افراد بیجسته ای که مورد توجه دنیا است داریم ولی همین استثناءها و بر جسته بودن بعضی افراد و اشاره کردن بآنها و منتظر بودن بوجود ملذذ ایشان...

در این جا ممکن است متوجه شویم که ما افراد بیجسته ای که مورد توجه دنیا است داریم ولی همین استثناءها و بر جسته بودن بعضی افراد و اشاره کردن بآنها و منتظر بودن بوجود ملذذ ایشان...

در این جا ممکن است متوجه شویم که ما افراد بیجسته ای که مورد توجه دنیا است داریم ولی همین استثناءها و بر جسته بودن بعضی افراد و اشاره کردن بآنها و منتظر بودن بوجود ملذذ ایشان...

در این جا ممکن است متوجه شویم که ما افراد بیجسته ای که مورد توجه دنیا است داریم ولی همین استثناءها و بر جسته بودن بعضی افراد و اشاره کردن بآنها و منتظر بودن بوجود ملذذ ایشان...

در این جا ممکن است متوجه شویم که ما افراد بیجسته ای که مورد توجه دنیا است داریم ولی همین استثناءها و بر جسته بودن بعضی افراد و اشاره کردن بآنها و منتظر بودن بوجود ملذذ ایشان...

در این جا ممکن است متوجه شویم که ما افراد بیجسته ای که مورد توجه دنیا است داریم ولی همین استثناءها و بر جسته بودن بعضی افراد و اشاره کردن بآنها و منتظر بودن بوجود ملذذ ایشان...

در این جا ممکن است متوجه شویم که ما افراد بیجسته ای که مورد توجه دنیا است داریم ولی همین استثناءها و بر جسته بودن بعضی افراد و اشاره کردن بآنها و منتظر بودن بوجود ملذذ ایشان...

در این جا ممکن است متوجه شویم که ما افراد بیجسته ای که مورد توجه دنیا است داریم ولی همین استثناءها و بر جسته بودن بعضی افراد و اشاره کردن بآنها و منتظر بودن بوجود ملذذ ایشان...

در این جا ممکن است متوجه شویم که ما افراد بیجسته ای که مورد توجه دنیا است داریم ولی همین استثناءها و بر جسته بودن بعضی افراد و اشاره کردن بآنها و منتظر بودن بوجود ملذذ ایشان...

در این جا ممکن است متوجه شویم که ما افراد بیجسته ای که مورد توجه دنیا است داریم ولی همین استثناءها و بر جسته بودن بعضی افراد و اشاره کردن بآنها و منتظر بودن بوجود ملذذ ایشان...

در این جا ممکن است متوجه شویم که ما افراد بیجسته ای که مورد توجه دنیا است داریم ولی همین استثناءها و بر جسته بودن بعضی افراد و اشاره کردن بآنها و منتظر بودن بوجود ملذذ ایشان...

در این جا ممکن است متوجه شویم که ما افراد بیجسته ای که مورد توجه دنیا است داریم ولی همین استثناءها و بر جسته بودن بعضی افراد و اشاره کردن بآنها و منتظر بودن بوجود ملذذ ایشان...

بسیوی اتحاد

بقیه از صفحه ۱ داشته اند چنانچه مواد مشهور ملل متفق در این معنی شده بود و اثبات بازبها کنار گذاشته میشد شاید محتاج بودیم که امروز فقط درباره نماینده یهودی...

باین مقدمه قلم بدست بگرییم. این امر کاملا صحیح و منطقی است و ببقیده انکارنده یکی از جمل و موجبات جدائی از سایر هم میثان عزیز همین موضوع است اگرچه داشتن یک نماینده در مجلس شورای ملی در آن دوره قدمهای مؤثری بود ولی واضح است که این موضوع باوضاع و احوال دنیای امروز وفق نمیدهد...

آن روزی که مجلس موسسان تشکیل شود و بخوانند در مواد قانون اساسی تجدید نظری طبق شرایط فعلی دنیا بنمایند بدون شك جامعه یهود باید تقاضا کند که قانون اقلیت ها ملغی شود و یهودیها بتوانند مانند همه افراد کشور در انتخابات شرکت نمایند

اما همانطوریکه گفته شد منظور این است که با شرایط فعلی باید چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم.

و کبلی ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم.

و کبلی ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم.

و کبلی ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم.

و کبلی ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم.

و کبلی ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم.

و کبلی ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم.

و کبلی ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم.

و کبلی ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم.

و کبلی ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم.

و کبلی ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم.

و کبلی ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم.

و کبلی ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم.

و کبلی ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم.

و کبلی ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم.

و کبلی ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم.

و کبلی ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم. آقای سالم زاده در ضمن بحث مفصلی می آید و در کمال ماباید هم چگونگی و کبلی انتخاب کنیم.

بسیوی اتحاد

بقیه از صفحه ۱ امثال قوام السلطنه ما را در رامن خود پرورده و بجامه تبریل داده است و این مردان آزاد بخوان چون دژ های پولادینی هستند که هر وقت خطر نزدیک میشود با اتفاق نیروی آزاد بخوانان غیور و با شجاعت هرزه های ناسسد و وحشرات مؤذی را تارومار کرده و با ایمان و عشق به میهن عظمت و استقلال کشور را حفظ مینمایند.

آن نویسنده ای که با تئوری ایسده آلی خودش مینویسد «یهودی ایرانی نباید وارد اجتماع شود» و یا اینکه «یهودیها با ما بیگانه هستند» و بدین وسیله میخواهد یهودی را متهم و تحقیر کند خوب است آنگاه نشر بجز خودش وارد نکند آنگاه نویسنده روزنامه گمنام این داستانهای کهنه و فرسوده شده است بروی صحنه های تازه تری درست کند و بالای آن بنویسد (نسخه برای کودکان)

آنگاه معترم دنیای امروز و جامعه روشن نگر ایران باین داستانهای ترون وسطایی مینماید. آقای عزیز هیچ کسب و شغلی نیست که منحصر بیک باشد و مخصوص باشد. همه مذاهب همه جور شغل های مختلف دارا هستند و اگر هم کسی از شغل خودش سوء استفاده کند و یا جرمی مرتکب شود اهم از هر ملذذی که باشد مورد تعقیب قانونی قرار گرفته و در مقابل مقررات کشوری بسه کپار خواهد رسید.

آنگاه عزیز این حرفهای پیش پا افتاده و مبتذل دیگر بازاری ندارد و انکار عمومی را نمیتوان باینگونه نسخه های نامطبوع تحریک کرده و مانع برادری و مودت و یگانگی بین افراد ایرانی هم از یهودی مسلمان میشی زردشتی آسوری و غیره گردید. کشور را خوب ما اکنون احتیاج مبر می بانهاد افراد و جمعیت ها دارد و هر گز راهی که باعث تفرقه و افتراق اراد کشور باشد خطر بسیار بزرگی است که موجودیت ایران را تهدید خواهد کرد. هر شخص با شرف و میهن پرستی وظیفه دارد که با تمام قوای ممکنه برای ایجاد وحدت اجتماعی سیاسی و اقتصادی ایران مجاهدت کند و برای ایجاد ایران بزرگ و مترقی فداکاری نماید درود بر فرزندان لایق و آزاد بخوان ایران و ایرانیان روشنفکر که عناصر فاسد را طرد مینمایند.

برومند و پاینده باد اتحاد و برادری مسلمانان و اقلیت های مذهبی ایران

واینان که نماینده اراده اند باید برای رفاه و آسایش و ترقی آن ملت طبق یک هدف معین و نقشه صحیح عمل نمایند حال آنکه نمایندگان ملت نتوانستند آنطوریکه وظیفه آنهاست عمل نمایند اراده ملت آنها را از نمایندگان خلق و بکفر امثالشان خواهد رسانید

از اینرو نتیجه میگیریم که اولاً اگر ما انتظار داشته باشیم که بکفر نماینده نخواهد تمام ضروریات و اوامس و مصائب ما را رفع کند به تنهایی قادر نیست مگر اینکه این شخص متکی به ملت باشد و در هر موقع بتواند با نظر و صوابدید ملت مشغول کارهای اساسی شود نه اینکه بگوید ما فریوطیست شما نماینده ما هستید و ما از شما کار میخواهیم هر چه میخواهید بکنید

امروز باید ملت از آن همه تجریبات تلخ پند بگیرد و هیچ وجه حاضر نشود زمام امور خودش را بدست بگیرد هر چه واجب همه شرایط حسنه باشد بسیار است

امروز باید ملت از آن همه تجریبات تلخ پند بگیرد و هیچ وجه حاضر نشود زمام امور خودش را بدست بگیرد هر چه واجب همه شرایط حسنه باشد بسیار است

امروز باید ملت از آن همه تجریبات تلخ پند بگیرد و هیچ وجه حاضر نشود زمام امور خودش را بدست بگیرد هر چه واجب همه شرایط حسنه باشد بسیار است

امروز باید ملت از آن همه تجریبات تلخ پند بگیرد و هیچ وجه حاضر نشود زمام امور خودش را بدست بگیرد هر چه واجب همه شرایط حسنه باشد بسیار است

امروز باید ملت از آن همه تجریبات تلخ پند بگیرد و هیچ وجه حاضر نشود زمام امور خودش را بدست بگیرد هر چه واجب همه شرایط حسنه باشد بسیار است

امروز باید ملت از آن همه تجریبات تلخ پند بگیرد و هیچ وجه حاضر نشود زمام امور خودش را بدست بگیرد هر چه واجب همه شرایط حسنه باشد بسیار است

امروز باید ملت از آن همه تجریبات تلخ پند بگیرد و هیچ وجه حاضر نشود زمام امور خودش را بدست بگیرد هر چه واجب همه شرایط حسنه باشد بسیار است

امروز باید ملت از آن همه تجریبات تلخ پند بگیرد و هیچ وجه حاضر نشود زمام امور خودش را بدست بگیرد هر چه واجب همه شرایط حسنه باشد بسیار است

امروز باید ملت از آن همه تجریبات تلخ پند بگیرد و هیچ وجه حاضر نشود زمام امور خودش را بدست بگیرد هر چه واجب همه شرایط حسنه باشد بسیار است

امروز باید ملت از آن همه تجریبات تلخ پند بگیرد و هیچ وجه حاضر نشود زمام امور خودش را بدست بگیرد هر چه واجب همه شرایط حسنه باشد بسیار است

امروز باید ملت از آن همه تجریبات تلخ پند بگیرد و هیچ وجه حاضر نشود زمام امور خودش را بدست بگیرد هر چه واجب همه شرایط حسنه باشد بسیار است

امروز باید ملت از آن همه تجریبات تلخ پند بگیرد و هیچ وجه حاضر نشود زمام امور خودش را بدست بگیرد هر چه واجب همه شرایط حسنه باشد بسیار است

امروز باید ملت از آن همه تجریبات تلخ پند بگیرد و هیچ وجه حاضر نشود زمام امور خودش را بدست بگیرد هر چه واجب همه شرایط حسنه باشد بسیار است